

فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین*

سیدمحسن حبیبی**، نوید پورمحمدرضا***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۷/۰۱

چکیده

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی و تحلیل فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر تاریخی ورامین است. با عطف به پژوهش‌های میدانی، روایتی توصیفی-تحلیلی از محتوا و کالبد فضاها و مکان‌های ورامین در قالب سه گونه‌ی اصلی (فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز) و یک گونه‌ی فرعی (فضاهای غیررسمی و بالقوه) ارائه شده است. در انتها نیز از طریق مقابله‌ی یافته‌های میدانی با مبانی نظری پژوهش، ویژگی‌ها و مشخصه‌های فضاهای عمومی شهر ورامین بر مبنای معیارهای سه‌گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی تعریف و تبیین می‌گردند.

بخش مرکزی و قدیمی ورامین را می‌توان مهم‌ترین فضای عمومی شهر در نظر گرفت؛ این فضا بازتاب سوبیه‌های متعدد و متکثر مفهوم فضای عمومی است، نظیر: خرید، استراحت، تفریح، جامعه‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی و سایر فضاها و مکان‌ها، هم‌چون میدان عمر و آباد، پارک خانواده، و امامزاده حسین‌رضا، هریک، بنا بر ماهیت و ویژگی‌های خویش، بیش و کم نمایانگر گوشه‌ای از ابعاد و جلوه‌های متکثر انگاره‌ی فضای عمومی هستند.

واژه‌های کلیدی

فضای عمومی، فضای شهری، فضای سبز، فضای مذهبی، فضای بالقوه

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران با عنوان «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی، ورامین، قرچک، اسلامشهر)» به شماره ۹۱۰۲۰۰۳/۱/۰۴ و هم‌چنین طرح پژوهشی جندی شاپور مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که زیر نظر دکتر سید محسن حبیبی انجام شده است. بدین وسیله نویسندگان تشکر خود را از این دو نهاد اعلام می‌دارند.

E-mail: smhabibi@ut.ac.ir

** استاد دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: npourmohammad@gmail.com

مقدمه

فرعی - فضاهای غیررسمی و بالقوه - به دست داده شود. نوشتار در چهار بخش ارائه می شود: بخش اول، به شکلی موجز، شرح و تفسیری تاریخی از ورامین ارائه گردیده است. بخش دوم به بررسی مفهومی واژه ی فضای عمومی می پردازد. در بخش سوم، فضاهای عمومی ورامین در قالب چهار گونه فضا، مطروحه، و با توجه به چارچوب نظری پژوهش، مورد تشریح و تبیین قرار گرفته است. در بخش پایانی مهم ترین ویژگی های فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه گانه ی کالبدی، عملکردی و اجتماعی ارائه گردیده و نتایج و یافته های اصلی پژوهش طرح شده است.

روش تحقیق

شرح و تبیین انگاره های اساسی پژوهش حاضر و دغدغه های مطروحه در آن نیازمند انجام فرآیندی دو سطحی است. سطح اول: کاوش در بُعد نظری، سطح دوم: حرکت در بُعد عملی.

در بُعد نظری، اصلی ترین روش به کار گرفته شده پژوهش اسنادی (گیدنز، ۱۳۸۵، ۲۳۳) است. در روش تحقیق اسنادی، فرضیات مشخصی وجود دارد که هم مورد تحلیل - در مورد داده های کیفی - و هم آزمون - در مورد داده های کمی - قرار می گیرند. تحلیل از طریق روش تاریخی و روش مقایسه ای یا تطبیقی و آزمون نیز بر اساس روش آزمون فرض آماری در درون اسناد صورت گرفته است. از آن جا که پژوهش حاضر در بُعد نظری، عمدتاً مبتنی بر مباحث کیفی است، روش تحلیلی، به هر دو صورت تاریخی و تطبیقی، شیوه ای راهگشا برای شرح و تبیین انگاره های اصلی پژوهش است.

در بُعد عملی نیز، که هدف درک و ارائه تصویری بیش و کم روشن از فضاهای عمومی و زندگی جمعی معاصر در شهر تاریخی ورامین است، از پژوهش میدانی استفاده گردیده است که عمدتاً با پرسه زنی در فضا، مصاحبه با مردم و مشاهده دقیق فضاها، مکان ها و عناصر شهری صورت گرفته است. با بررسی تفاوت ها، تشابهات و به طور کلی درون مایه و محتوای این فضاها و مکان ها، نتایج و یافته ها در قالب سه گونه ی اصلی (فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز) و یک گونه ی فرعی (فضاهای غیررسمی و بالقوه) ارائه گردیده است. (جدول ۱)

امروزه دلالت های معنایی واژه ی فضای عمومی آن چنان گسترده است که بسیاری از نظریه پردازان، فارغ از دیدگاه اندیشه ای و ایدئولوژیکی خود، آن را به متنی متکثر و چند سویه تشبیه کرده اند و به همین اعتبار، ارائه ی تعریفی واحد و جهان شمول را، اگر نه محال، که بسیار دشوار دانسته اند. در واقع، وجود گستره ای حیرت انگیز از انواع فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها، ملیت ها، قومیت ها، مذاهب، سنن، آیین ها، وهنجارها از سویی، و روابط گاه یکسره جدا و گاه درهم تنیده ی آن ها با یکدیگر از دیگر سویی، سبب گردیده تا فهم و ادراک مفهوم فضای عمومی، که ماهیت و بنیان آن به شکل بی واسطه ای با زندگی هرروزه ی شهری آدمیان گره خورده است، روزبه روز دشوارتر شود. شاید امروزه بتوان تعاریف و مرزبندی هایی را، که لغت نامه ها و دانشنامه ها پیرامون برخی واژه ها از جمله فضای عمومی طرح می کنند، در بهترین حالت، گونه ای تعریف یا راهنمای ابتدایی و مقدماتی برای ورود به بحث دانست؛ تعاریفی که بدون تنقیح، و یا بهتر، بدون عبور از صافی هر فرهنگ و قوم و سنتی، فاقد کارکرد پایه ای و معنای حقیقی خواهند بود.

نوشتار حاضر در پی حصول تعریفی بومی و در عین حال کارکردی و معنادار از فضاهای عمومی و زندگی جمعی در شهر ورامین است؛ تعریفی که در عین دربرداشتن ویژگی های عام فضای عمومی، مولفه ها و مشخصه های بومی و منحصر به فرد این انگاره را نیز شامل شود. در راستای نیل به این مهم، توصیف، تشریح و تبیین فضاهای عمومی شهر ورامین از طریق نگاه به مفاهیمی هم چون کنش های ارتباطی، معاشرت و مردم آمیزی، همبستگی و هم پیوندی عمومی، روابط چهره به چهره پی گرفته می شود. جستجوی رخدادهای، تجارب و معانی پنهان و آشکار در کارکردهای کلی این فضاها، برای درک و تصویری بیش و کم روشن از مفهوم فضاهای عمومی در شهر ورامین، ضروری می نماید. بنابراین سعی شده روایتی توصیفی-تحلیلی از محتوا و کالبد فضاها و مکان های ورامین در قالب سه گونه ی اصلی - فضاهای شهری، فضاهای مذهبی، فضاهای سبز - و یک گونه ی

جدول ۱. گونه بندی فضاهای عمومی (ماخذ: حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶)

| | | |
|------|-------------------------|--|
| اصلی | فضاهای شهری | میادین و خیابان ها |
| | فضاهای مذهبی | مساجد، امامزاده ها، گورستان ها، حسینیه ها و تکایا |
| | فضاهای سبز | پارک های درون شهری، فضاهای سبز خارج شهری و میادین ورودی، باغات و اراضی کشاورزی |
| فرعی | فضاهای غیررسمی و بالقوه | عرصه هایی از شهر، که در زمان های گوناگون و به دلایل متفاوت به عنوان فضای عمومی مورد استفاده قرار می گیرند. |

نگاهی تاریخی به ورامین

ورامین شهری است با سابقه کهن شهرنشینی. انباشته از خاطرات و آمیخته با افسانه‌ها. ردپای نام ورامین را می‌توان در میان نام‌های مشاهیر، کتاب‌ها و داستان‌های تاریخی ایرانی بازجست (دهخدا، ۱۳۷۳: آذری دمیچی، ۱۳۴۸). نخستین زمینه‌های ایفای نقش ورامین به مثابه‌ی شهری مهم به‌پس از ایلغار مغول و ویرانی ام‌البلاد ری باز می‌گردد (اصطخری، ۱۳۶۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵). آن زمان که قسمت اعظم ساکنین آن به ورامین نقل مکان کردند و در آغاز قرن ۸ ه.ق این شهر از آبادترین شهرهای این ناحیه محسوب می‌شد (کلاویخو، ۱۳۸۴؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۱؛ دیولافوا، ۱۳۸۵). میراث معماری امروزین شهر، یادگار این دوران است. اما ورامین امروز، شهر کمتر شناخته شده‌ای است، که نقطه‌ی آغاز تحولات منجر به پدیداری وضعیت معاصر آن را می‌توان در تحولات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ جستجو کرد (امینی و رضوان، ۱۳۸۰). در این دوره برخی صنایع تبدیلی؛ آموزشگاه‌ها و نهاد‌های رسمی در این شهر مستقر می‌شوند و اندیشه نوآورانه (مدرنیستی) حاکم بر این دوران با انجام خیابان‌کشی به‌عنوان مهم‌ترین اقدامات شهرسازانه، در ورامین نیز آثاری از خود بر جای می‌گذارد. همین خیابان‌ها هستند که سمت و سوی توسعه ورامین در دهه‌های بعد را هدایت کرده و مرکز کالبدی و عملکردی امروز آن را شکل می‌دهند (تاجیک و عطری، ۱۳۸۶). ورامین، امروز پدیده پویایی است که به سرعت بر وسعت و جمعیت خود می‌افزاید و زمین‌های کشاورزی بیشتری را، که روزگاری حضور خود را در ارتباط با آنها توجیه می‌نمود، به زیر ساخت و ساز می‌برد. توسعه سریع شهر، بسیاری از روستاهای مجاور را به محلاتی از شهر امروز تبدیل کرده است و بدین سبب پیچیدگی فرهنگی-اجتماعی و کالبدی خاصی را پدید آورده است. ولی علی‌رغم این تغییرات سریع، استخوان‌بندی شهر ورامین کماکان مبتنی بر ساختار تاریخی آن باقی مانده است و تحولات صورت گرفته برحول این استخوان‌بندی تاریخی صورت گرفته است. روند رشد جمعیت در ورامین از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۸۵ در جدول ۲ ارائه شده است. (جدول ۲)

ششمی بر مفهوم فضای عمومی

انگاره‌ی فضای عمومی بارها و بارها از سوی نظریه پردازان و محققان حوزه‌های گوناگون و محافل علمی و حرفه‌ای مورد تعریف، تشریح

و بازخوانی قرار گرفته است. به عنوان مثال، رویکردهای مثبتی بر «فلسفه سیاسی-اجتماعی»، عمدتاً، فضاهای عمومی را با مفاهیم و انگاره‌هایی هم‌چون گفت‌وگو، عمومی، حوزه‌ی عمومی، شهروندمداری، کنش سیاسی، قلمرو اجتماعی (Goodsell, 2003) مدنظر قرار داده‌اند. در سطحی دیگر، دیدگاه‌های استوار بر «برنامه‌ریزی و طراحی شهری»، با نگاهی جزئی و انضمامی تر نسبت به رویکرد پیشین، به ایضاح و تشریح مفاهیمی چون فضاهای عمومی و مراکز شهر و تعامل دوسویه آن‌ها با آموزه‌هایی نظیر زندگی شهری، حس اجتماعی، همبستگی عمومی و خودانگیختگی اجتماعی (Ibid, 2003) می‌پرداخته‌اند، و تعریف و کاربست معیارها و مولفه‌هایی هم‌چون قابلیت دسترسی به فضاها، میزان بهره‌وری از فضاها، نحوه طراحی، ایمنی و امنیت فعالیت‌ها و تسهیلات، ساختار کالبدی خیابان‌ها (Pasaogullari & Doratli, 2004)، چگونگی اعمال نظارت بر تامین امنیت، ملحوظ داشتن حقوق اقشار مختلف اجتماعی، ملاحظات زیباشناختی (Cybriwsky, 1999) را در دستور کار قرار داده‌اند.

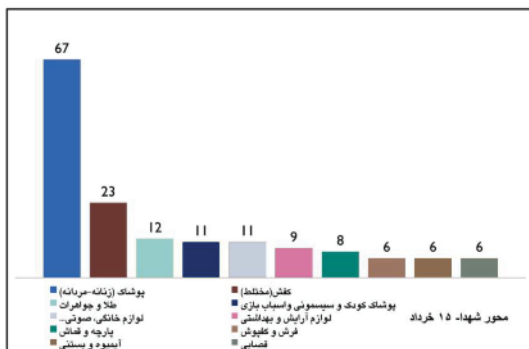
بی‌تردید مصادیقی دیگر نیز از طیف گسترده و وسیع مبانی نظری مرتبط با مفهوم فضای عمومی وجود دارد، که می‌توان آن‌ها را نیز بیان داشت ولی از آن‌جا که قصد این نوشتار آن است که معنا و مفهوم فضای عمومی را تا حد امکان از طریق بازخوانی فضاهای شهری ورامین استخراج نماید، لذا به همین دو نگاه کلی بسنده می‌شود:

بر این اساس فضای عمومی را می‌توان عرصه‌ی حضور مردم و پاسخی کالبدی-فضایی به نیازها و خواست‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها در نظر گرفت (حبیبی، ۱۳۷۸)؛ پاسخی کالبدی که گاه به صورت فرایندی از پایین به بالا از سوی خود مردم مطالبه و در نهایت خلق می‌شود و گاه توسط مسئولان دولتی و در قالب فرایندی از بالا به پایین ایجاد می‌شود. در هر صورت و با عطف به هر نظریه یا رویکردی، این فضا بدون حضور مردم عرصه‌ی عمومی تلقی نمی‌شود (حبیبی، ۱۳۷۹). و باز این که فضای عمومی، به مثابه‌ی عرصه‌ی تعاملات اجتماعی، معاشرت و مردم‌آمیزی، نقش و تأثیری انکارناپذیر را در ارتقاء کیفیت زندگی شهری، همبستگی و هم‌پیوندی عمومی، حس اجتماع‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی و گفت‌وگو دارد. در مقابل، مردم نیز با حضور همیشگی و یا گاه و بیگاه و

جدول ۲: جمعیت ورامین از ۱۲۷۹ تا ۱۳۸۵ ه.ش. (جمعیت به هزار نفر می‌باشد)
(ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

| ۱۳۸۵ 2007 | ۱۳۷۵ 1997 | ۱۳۶۵ 1987 | ۱۳۵۵ 1977 | ۱۳۴۵ 1967 | ۱۳۳۵ 1957 | ۱۲۷۹ 1901 |
|-------------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ۲۰۹ | ۱۰۷ | ۵۸ | ۲۵ | ۱۱ | ۵ | ۳ |
| 209 | 107 | 58 | 25 | 11 | 5 | 3 |
| ورامین Varamin | | | | | | |

خیابان مسجد جامع، که در میدان امام خمینی (میدان قدیم ورامین) یکدیگر را قطع می کنند، استخوان بندی شهر و هسته ی مرکزی آن را در مجموعه ای منسجم و به هم پیوسته شکل می دهند. با حرکت در این هسته و مشاهده و بازخوانی فعالیت ها، رخدادها، تجارب و مضامین زندگی روزمره، می توان نوع و کیفیت زندگی ورامینی ها را بازشناخت و وجوه و جنبه های مختلف آن را کاوش کرد. علت و سبب اصلی این انسجام و پیوستار فضایی-مکانی در محدوده ی مرکزی ورامین، به قدمت شهر و تاریخی بودن آن برمی گردد. تکوین استخوان بندی فضایی شهر در دوردست های تاریخ، شکل گیری، تعادل و هم پیوندی میان فعالیت ها، عملکردها و کالبد این فضاها را تا به امروز سبب گردیده است. در هسته مرکزی شهر، محور خیابان های شهدا- ۱۵ خرداد، و به خصوص شهدا، مکانی است که می توان از آن به عنوان ورامین مدرن یاد کرد. این محور، که میدان مرکزی ورامین در میانه ی آن قرار دارد، از سمت شرق به میدان چوببری و سپس شهر پیشوا و از غرب به میدان امام حسین، راه آهن و جاده تهران منتهی می شود. توزیع و پراکنش فعالیت ها و کاربری ها در محور مذکور، نشان گر نوعی التقاط، ناهمگونی و ناسازگاری در مجاورت و هم نشینی آن هاست؛ که این خود مَبین نوگرایی ایرانی و تبلور آن در شهر است. با رجوع به شکل های ۲، ۳ و ۴، که به ترتیب نشانگر ۱۰ کاربری اصلی خیابان شرقی - غربی مجموعه (شهدا و ۱۵ خرداد)، درصد هر یک از این ۱۰ کاربری نسبت به مجموع کل ۱۰ کاربری و درصد هر یک از ۱۰ کاربری اصلی از مجموع کاربری های خیابان است، چهره و سیمای تجاری خاصی در طول این محور مشاهده نمی گردد. گرچه عطف به نتایج و یافته های ناشی از نمودارهای مذکور، به طور کلی، نشان از حضور پررنگ و بارز کاربری های تجاری و خدماتی دارد، طیف تنوع کاربری های مذکور تا حدی است که تشخیص همسانی میان آن ها، نه در کل محور، که حتی در بخشی از آن نیز دشوار است و بنابراین خیابانی با کارکرد تجاری خاص شکل نگرفته است و محوری با کاربری مختلط چهره می نماید.



شکل ۲. ۱۰ کاربری اصلی خیابان شرقی - غربی مجموعه (شهدا و ۱۵ خرداد)

اتفاقی خویش در این فضاها همواره سرزندگی و حیات خاص و منحصر به فردی به آن ها می بخشند. حضوری که گاه به سبب مقاصد از پیش برنامه ریزی شده نظیر خرید کردن یا شرکت در مراسمی خاص، گاه به قصد استراحت و تفریح، تماشا کردن و دیده شدن، گاه به منظور پیروی و تبعیت از رسوم و آیین هایی ویژه در روزهایی مشخص و گاه برای عبور و رسیدن به محل کار و در عین حال حضور در جریان زندگی شهری و حادثه ها و واقعه های شهری شکل می گیرد (حیبی، ۱۳۸۰: مدنی پور، ۱۳۸۴).

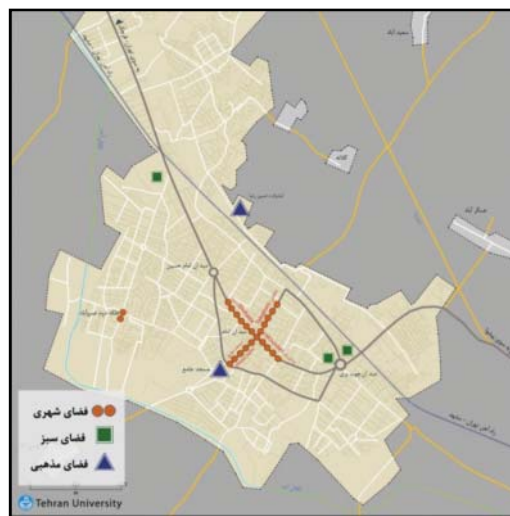
۱ بررسی و تحلیل فضاهای عمومی ورامین

در نگاهی کلی و عام سه گونه ی اصلی و یک گونه ی فرعی از فضاهای عمومی در ورامین قابل شناسایی هستند. این گونه ها عبارتند از: فضاهای شهری، فضاهای مذهبی و فضاهای سبز (گونه های اصلی) و فضاهای غیررسمی و بالقوه (گونه ی فرعی). بی شک این مرزبندی و جداسازی، تنها برای نیل به تصویر و تصویری واضح از فضاهای عمومی و شهری ورامین صورت گرفته است، زیرا که در بطن جریان واقعی زندگی شهر و خارج از چارچوب پژوهشی درهم تنیدگی و تعامل این مجموعه فضاها در بافت شهر ورامین به حدی است که هرگونه مرزبندی و تفکیک، چه ذهنی و چه عینی، را بی معنا جلوه می دهد (شکل ۱).

۱ فضاهای شهری

بخش مرکزی و قدیمی ورامین

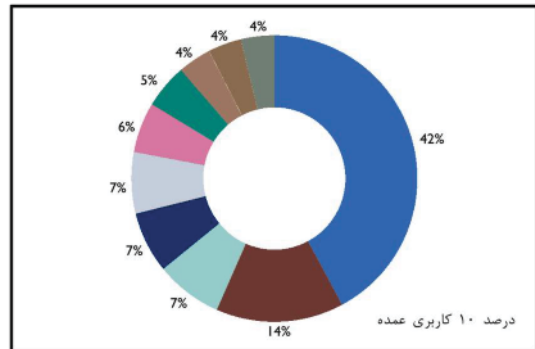
دو محور متقاطع خیابان شهدا- خیابان ۱۵ خرداد و خیابان طالقانی-



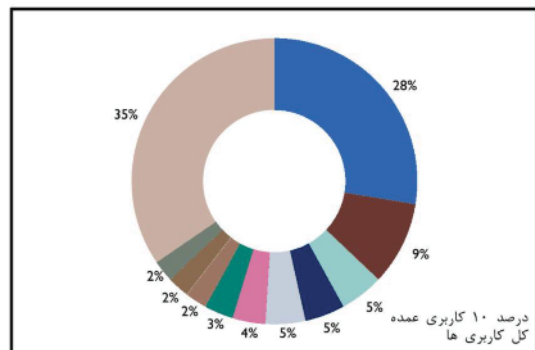
شکل ۱. فضاهای عمومی ورامین به تفکیک گونه ها (ماخذ: حیبی و همکاران، ۱۳۸۶)

دوره گرد آجیل فروش در کنار یکدیگر زندگی شهری را معنا می بخشد و این را یادآور می شود که امر خرید و تجارت تنها کارکرد، رخداد و معنا، چه مستتر و چه عیان، در هسته ی مرکزی ورامین نیست؛ حضور در خیابان های این مجموعه، با درختان چنار کهن سایه افکن و پیاده روهای نسبتاً عریض، امام زاده ها، بناها و یادمان های تاریخی، مساجد و حسینیه ها، پاساژها و مجموعه ای درهم از انواع کاربری ها، به شکل گیری فضایی بس جذاب و رنگارنگ انجامیده و گنجینه ای غنی و ارزشمند را فراهم آورده است.

میدان مرکزی ورامین، محور شهدا- ۱۵ خرداد و محور طالقانی- جامع در عین پیوستگی و انسجام، هریک، واجد چهره و هویتی ویژه بوده و قصه و روایتی خاص و منحصر به خویش را بازگو می کند. میدان مرکزی ورامین، با استمرار و تداوم حضور خویش از دیرباز تاکنون، فصل مشترک خاطره های و ذهنی بسیاری از ورامینی ها بوده و به نوعی مهم ترین مرجع ذهنی شهر محسوب می گردد. برج ۷۰۰ ساله ی علاءالدوله با حضور دائمی و کهن خویش در گوشه ای از میدان، خاطرات فراوان نسل های مختلف ورامینی را با هم گره می زند. سکوهای ساخته شده ی گوشه ی میدان در سایه سار درختان نارون و چنار، محل قرار و دیدارگاه کهن سالان و گاه جوانان ورامینی است. میدان مبدأ و مقصد وسایل نقلیه همگانی و خصوصی شهر است که به واسطه ی دسترسی مناسب به آن، عاملی دیگر در جوش و خروش همه روزه ی زندگی شهری است (شکل ۵). محور شرقی- غربی مجموعه یعنی خیابان های شهدا و ۱۵ خرداد، که میدان مرکزی ورامین در میانه ی آن قرار گرفته است، به عنوان مهم ترین محور خرید و تأمین نیازهای روزانه، هفتگی،



شکل ۳. درصد هر یک از این ۱۰ کاربری نسبت به مجموع کل ۱۰ کاربری



شکل ۴. درصد هر یک از ۱۰ کاربری اصلی از مجموع کاربری های خیابان

(شکل های ۲، ۳ و ۴)

از نظر چگونگی توزیع و پراکنش کاربری ها، دیگر محور این مجموعه یعنی طالقانی- مسجد جامع نیز تفاوت ماهوی خاصی با محور شهدا- ۱۵ خرداد ندارد. این محور، که عمود بر محور قبلی است، با ساختی سنتی و مذهبی نسبت به آن، - به علت حضور مسجد جامع ایلخانی در ابتدا و مسجد جامع جدید شهر در میانه ی آن- شکلی دیگر از هسته ی مرکزی و تجربه های شهری و مضامین زندگی روزمره ی ورامینی ها را رقم می زند.

حضور طیفی متنوع از انواع عملکردها در این دو محور، هر خیابان را به عرصه ی حضور مردمان شهر تبدیل کرده است؛ حضوری گسترده که تجاری ویژه را در زندگی روزمره ی شهری، چه در شکل و شمایل سنتی و مذهبی (محور شمالی - جنوبی) و چه نو و مدرن (محور شرقی - غربی)، فراهم آورده است. تنوع و کثرت عملکردها «هم زیستی - مسالمت آمیز (یا مثبت) کاربری ها» را سبب شده است؛ هم زیستی ای مثبتی بر وضعیتی تعاملی و چند سویه میان کاربری هایی که در بسیاری موارد ناسازگاراند. همزیستی عملکردهایی هم چون قصابی، خواروبار فروشی، حسینیه، پاساژ مدرن تجاری، کافی شاپ و بساط



شکل ۵. گوشه شمال شرقی میدان مرکزی ورامین



شکل ۷. قهوه خانه "سید" در خیابان ۱۵ خرداد؛ برابر نهاد پاتوق های مدرن



شکل ۶ کافه شاپ خیابان شهیدا؛ پاتوقی مدرن برای جوانان

مثابه ی پاتوق های مدرن - قرار می گیرد. سنت کهن در بازتولید مدرن خویش قهوه خانه ها و مکان هایی قدیمی تر را به کار گرفته است. هنگام ظهر و عصر و به قصد عبادت و راز و نیاز با معبود، حسینیه ها و امامزاده های این خیابان مملو از مردم می شود؛ مکان هایی که همراه با خود خیابان، برای ورامینی ها، در هر نسلی، مرجعی ذهنی و مکانی آشنا - یادآور قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ هستند. (شکل های ۶ و ۷) در محورهای طالقانی - مسجد جامع، علی رغم حال و هوای سنتی و مذهبی خویش، جوش و خروش و غلیان حاصل از رخدادها، تجارب و مضامین هر روزه ی زندگی کمتر دیده می شود، و به جای آن، جلوه ها و سوبیه های تظاهراتی و واقعهای حیات شهری رسمی - به خصوص در خیابان مسجد جامع - پررنگ تر می شود. در این خیابان، حضور دو مسجد جامع، یکی در ابتدای محور و دیگری در میانه ی آن، سبب گشته تا وقوع بسیاری از تجمع های مذهبی و سیاسی شهر در آن رخ نماید. هر ساله در سالگرد قیام ۱۵ خرداد، مسجد جامع جدید به عنوان محل تجمع و آغاز راهپیمایی به سوی امام زاده فتح الله - واقع در خیابان ۱۵ خرداد - تعریف می شود و مسجد جامع قدیم، تا هنوز، به عنوان مکان برگزاری نماز جمعه و نمازهای مربوط به اعیاد در فصول گرم مورد استفاده اهالی قرار می گیرد. سوی دیگر محور، یعنی خیابان طالقانی، به میزان کمتری تحت تاثیر این حضور نمایش گونه و تظاهرات رسمی و غیررسمی مردم بوده و بیشتر به عنوان یکی از مهم ترین مراکز خرید ورامین محسوب می شود؛ بدین معنا که بخش عمده ای از فروشگاه های لوازم خانگی و معدود کتاب فروشی های مجموعه ی مرکزی ورامین در این بخش قرار گرفته اند؛ اما با این وجود خیابان طالقانی نسبت به دیگر خیابان این محور - مسجد

ماهان و سالانه ورامین شناخته می شود و حضور ساکنان شهر و کانون های مجاور در این فضا، رنگارنگی مغازه ها و تابلوهای آن ها بر رونق آن می افزایند، هر چند که جداره ی خیابان ها با سلیقه ای عامیانه آراسته شده باشد و کالاهای ارائه شده و در نظر نیز چنین سلیقه ای را نشان می دهند. این محور با بهره مندی از عملکردهایی شیک و مدرن هم چون مغازه ها و پاساژهای عرضه کننده ی پوشاک، کفش و طلا و جواهرات، به خصوص در خیابان شهیدا، و حضور امامزاده ها و تکایا، بالاخص در خیابان ۱۵ خرداد، حاوی حکایت ها، قصه ها و روایاتی بس متنوع، گاه تلخ و گاه شیرین، از ورامین و ورامینی های دیروز و امروز است؛ قصه هایی در آمدو شد بین سنت و مدرنیته.

پرسه زدن، به عنوان نقشی جدید در خیابان مدرن، به خیابان های شهیدا و ۱۵ خرداد حیاتی دیگرگونه داده است؛ جوانان، چه دختر و چه پسر، در پرسه زدن در این محور، آشنایی ها، دوستی ها و گاه دشمنی ها را جستجو می کنند؛ جوانانی که از سر تنوع و تفریح گاه سری به پاساژ شیک مجاور میدان مرکزی زده و گاه چند قدمی آن سوتر در کنار بساط آجیل فروش دوره گرد گردهم می آیند. مادرانی که همراه کودکان خود در حال چانه زدن با فروشنده ی دوره گرد یا مغازه دار نبش خیابان اند و افرادی دیگر، چه زن و چه مرد، به منظور رسیدگی و حل و فصل امور روزانه در حال آمدو شد به شعبه های مرکزی بانک های ورامین در ابتدای خیابان شهیدا هستند. با عبور از میدان مرکزی، خیابان ۱۵ خرداد تجربه ای بیش و کم متفاوت را در قیاس با خیابان شهیدا نشان می دهد؛ قهوه خانه ی قدیمی سید، به عنوان پاتوق نسل کهن و میان سال و البته جوانان ستیزه جوی شهر، فضایی را فراهم کرده است که در تفاوتی ماهوی با کافه شاپ های خیابان شهیدا - به

واقع فضای مذکور مکانی است برای حضور، معاشرت، مردم آمیزی، هم پیوندی و همبستگی عمومی اما تنها برای محله های همجوار. گویان که این میدان در کلیت خویش می تواند فضایی عمومی باشد، لیکن جاذبه و کششی که در درون آن جاری است، تنها، افرادی خاص و قشری محدود - شامل ساکنین محدوده و آشنایان و نه افراد غریبه و یا هر ورامینی - را به سوی خود جلب می کند. از این سبب شاید بتوان میدان عمروآباد را فضای حضور و گردهمایی جامعه ای بیش و کم بسته و در خود دانست. ارزان بودن قیمت زمین در این منطقه نسبت به سایر مناطق شهر از گذشته تا کنون، سبب گشته تا این محدوده در برگیرنده ی اکثر مهاجرین تازه وارد به ورامین، از هر شهر، قوم و یا طایفه ای، باشد. امری که موجب تکوین و شکل گیری گرایش ها و سنت هایی خاص و منحصر به فرد در قالب یک یا چند خُرده فرهنگ شده است؛ این گرایش ها و عادات از آن جا که خود را در تقابل با آداب و سنن، و به تعبیری دیگر، فرهنگ غالب شهر می بیند، حالت و کیفیتی تهاجمی به خود گرفته و با گذشت زمان اجتماعی بسته را شکل داده است. ترجمان فضایی-کالبدی این گرایش ها به خلق عرصه هایی منجر شده که با وجود همبستگی درونی اعضا، در نزد افراد خارج از مجموعه تعبیر به عرصه های بیگانه و مهاجم می شود. عرصه هایی که نه تنها پذیرای افراد غریبه نیست، بلکه در قبال آنها موضعی خصمانه و دافعه برانگیز پیشه می کند. حضور پررنگ مسجد در ضلع جنوبی این فضا به عنوان محل دیدارهای روزانه ی قشر مذهبی منطقه تضاد جالبی را با محتوای نه چندان گرم میدان برای بیگانگان برقرار می نماید. حضور دستفروشان میوه و تره بار و سایر اجناس نیز این فضا را به محل تامین برخی از نیازهای روزانه ی ساکنین محل بدل کرده است.

میدان چوب بری (رازی)

این میدان به عنوان مهم ترین نقطه ی بخش شرقی ورامین اصلی ترین پاتوق و محل استقرار کارگران ساختمانی در سطح شهر است. این میدان و کارکرد آن، برخلاف سنت دیگر شهرهای کهن، فاصله ای نسبتاً زیاد از منطقه ی مرکزی شهر دارد. فضای سبز مجاور این میدان در فصول گرم سال پاتوق کهن سالان ورامینی بوده و پذیرای حضور آنان است.

فضاهای مذهبی

دو فضای مذهبی عمده در سطح شهر ورامین وجود دارند. مسجد جامع تاریخی شهر و امام زاده حسین رضا. مسجد جامع که در دهه های گذشته به صورت ویرانه ای در حاشیه ی شهر کهن قرار داشت، پس از مرمت های سال های اخیر به عنوان مکان برگزاری نماز جمعه

جامع - و نیز دو خیابان محور شرقی-غربی از سرزندگی و شور و حیات کمتری برخوردار است. هسته ی مرکزی ورامین مکانی است برای حضور و گردهمایی ورامینی ها، که گاه به صورت مردم آمیزی و تعاملات اجتماعی رخساره می نماید و گاه تنها در قالب از کنار هم رد شدن مردمان بی هیچ معاشرت و ارتباطی. این هسته نه مکان بروز و ظهور تضادها و حتی تقابل ها در قالب تأکید و بزرگنمایی بر خُرده فرهنگ یا گرایش خاصی است و نه مکانی است تک منظوره و تک بعدی، بلکه فضایی است عمومی برای پاسخ گفتن به نیازها و خواست های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم. شاید بتوان همراه با نظریه ی لوییز مامفورد (Mumford, 1961) اذعان داشت که در هسته ی مرکزی ورامین، «مظروف» یا «محتوا» بر «ظرف» یا «کالبد» غلبه دارد؛ بدین معنا که با وجود فرسودگی کالبدی و بی نظمی صوری ای که در مجموعه ی مکان ها و بناهای این محدوده ی تاریخی دیده می شود، این فضا قادر به جذب و جلب مردم و نهادهایی است که خود ممد زندگی شهر هستند. به دیگر سخن، هسته ی مرکزی شهر به عنوان عرصه ی عمومی از دیدگاه شکل گرایانه و زیباشناختی جز در مورد بناهای تاریخی هیچ جذباتی را عرضه نمی دارد. سلیقه ی پایین در ساخت و سازهای جدید، آشفتگی در گفت و گوی بناها با یکدیگر و فضاهای پیرامون، پیاده روهای ناهموار و بد آرایش یافته، بوی نامناسب ناشی از کاربری های ناسازگار و یا مانداب های جوی ها، اغتشاش و بی نظمی در آموشد سواره و پیاده، همه و همه، نشان از آشفتگی و بی سروسامانی ظرف و کالبد دارند، ولی همه ی این ها به معنای افول و اضمحلال نمایش زندگی شهری نیست؛ در این مجموعه، علی رغم آن چه گفته شد، صحنه ها و تصاویری انباشته از تبلور نمایش زندگی شهری دیده می شود و نشان از آن دارد که فضای ایجاد شده از سوی مظروف، نابسامانی ظرف را تحت شعاع قرار داده است و علی رغم آسیب دیدگی و فرسودگی کالبد، جریان عمومی زندگی با همه ی رخدادها، انگاره ها، تجارب و تجلیات عیان و مستتر در شهر جاری است؛ جریان و نمایشی که بی تردید با گذر زمان و متأثر از ظهور و تکوین عناصر و عوامل اجتماعی، فرهنگی و شهری جدید، اساس و شاکله ای دیگرگونه رانسبت به گذشته سبب خواهند شد.

میدان عمروآباد

فلکه عمروآباد، میدانی مستطیل شکل در جنوب غربی شهر، بخشی از توسعه های جدید ورامین بوده (بعد از انقلاب) و تا مدت ها جزء بخش های اصلی شهر به حساب نمی آمده است. این میدان، بی آنکه از ویژگی های زیباشناختی یک فضای شهری نظیر محصوریت، مبلمان و فضای پیاده بهره مند باشد، جاذب قشر خاصی از مردم ورامین است؛ در

برخوردار هستند؛ فضای سبز میدان ورودی که در ساعات پایانی روز و یا در تعطیلات پایانی هفته شاهد حضور جمع کثیری از ساکنان شهر و مناطق مجاور بوده و برای گذران اوقات فراغت خانواده ها مورد استفاده قرار می گیرد. پارک های خانواده و ۱۵ خرداد، تنها پارک های ورامین اند که قابلیت کارآیی و خدمات رسانی در مقیاس شهر را دارند. در این میان، پارک خانواده نسبت به پارک ۱۵ خرداد حالت رسمی تری را داراست و فضای سبزی مختص استفاده خانواده هاست و به همین منظور و به قصد جلوگیری از ورود افراد مجرد، و مهمتر، به قصد تامین آسایش و امنیت بیشتر، به وسیله نرده های آهنی محصور گشته است.

■ فضاهای غیررسمی و بالقوه

عرصه هایی که به دلیل دارا بودن برخی مزیت های مکانی-فضایی، در ایامی معهود از سال، به عنوان فضای عمومی مورد استفاده ی مردمان قرار می گیرند؛ گرچه از نظر کالبدی-فضایی و سوبه های زیباشناختی، شایستگی پذیرایی چنین اجتماعاتی را ندارند. نظیر زمین های بایر مجاور امام زاده حسین رضا، که در روز های پایانی هفته و ایام مذهبی سال شاهد برپایی بازارهای مقطعی و حضور معرکه گیران و نمایش گران شهری می باشند. (شکل ۹)

■ بررسی و طبقه بندی یافته ها بر اساس معیارهای

سه گانه پژوهش

یافته های مطروحه بر مبنای معیارهای سه گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی در جدول ۳ طبقه بندی گردیده اند. (جدول ۳)



شکل ۹. روز بازار در مجاورت کارخانه غیر فعال مقوا سازی

و نمازهای مربوط به اعیاد در فصول گرم سال مورد استفاده اهالی قرار می گیرد. با توجه به وجود اقصای قوی مذهبی در شهر، این فضا مورد استقبال اقصای مذهبی شهر واقع شده است. امام زاده حسین رضا کارکرد هایی متفاوت را دربرمی گیرد. این فضا، به عنوان یکی از بااهمیت ترین زیارت گاه های منطقه و همچنین مهم ترین گورستان شهر، از روزگاران دور محل دفن بسیاری از ورامینی ها بوده است. به همین دلیل و به علت وجود رابطه های قوی قومی و عشیره ای در منطقه و همچنین وجوداندیشه ی مذهبی راسخ در زندگی ورامینی ها، این مکان به عنوان محل ملاقات و چهره به چهره شدن هفتگی بسیاری از ساکنان شناخته می شود. از سوی دیگر و در یک عملکرد غیر منتظره، به دلیل فقدان فضاهای مناسب در شهر، میعادگاهی برای جوانان نیز می باشد؛ جوانانی که در جوار گور نیاکان و گذشتگان خویش در طلب آشنایی و دوستی با یکدیگر هستند. مزار مکانی شده است برای در کنار یکدیگر گرد آمدن و به گشت و گذار پرداختن. این کارکرد سبب ساز شخصیت و هویتی خاص و منحصر به فرد برای این مکان شده و مسئولان شهر را وادار کرده است تا با ایجاد سالن ورزشی چندمنظوره ای در کنار مکان مذکور، باشندگان را در یک فضای تعریف شده ی شهری گرد هم آورند. (شکل ۸)

■ فضاهای سبز

فضاهای سبز شهر عبارتند از: پارک خانواده، پارک ۱۵ خرداد، فضای سبز میدان ورودی ورامین و فضای سبز جنب میدان رازی (چوب بری). در این بین، فضاهای سبز میدان ورودی ورامین و میدان چوب بری، نسبت به دو پارک یاد شده، از حالت و کیفیت عمومی تری



شکل ۸. امام زاده حسین رضا؛ مهم ترین گورستان شهر

جدول ۳. ویژگی های فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه گانه

| معیارها | ویژگی ها | مهمترین ویژگی ها و خصوصیات فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه گانه ی کالبدی، عملکردی و اجتماعی |
|---------|---|--|
| کالبدی | پیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی نسبی کالبد شهر، نبود الگویی خاص برای طراحی جداره ها و بناها (آشفته گی معماری شهری)، عدم تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت ها (غلبه مظلوف بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، حضور درختان سایه افکن و تجهیز نسبتا مناسب فضاهای شهری | |
| عملکردی | پیوستگی عملکردی فعالیت ها، رونق فعالیت ها در ساعات های آغازین و پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، چندعملکردی بودن خیابان ها، همزیستی فعالیت ها در عین ناسازگاری و ناهمگونی عملکردی آن ها، شکل گیری مراکز عمده خرید (پاساژها)، ارائه خدمات در مقیاس فراتر از شهر، پایداری وثبات نسبی کاربرتها | |
| اجتماعی | خاطره انگیزی فضاها، حضور نشانه ها و نمادهای مرجع، رونق زندگی شهری، امنیت نسبی ذهنی و روانی، تشکیل پاتوق های شهری بر حسب سن و جنس، حضور نسبی نگاه ناظر ساکنان | |

نتیجه گیری

با عطف به کاوش و بازکاوش فضاهای عمومی ورامین، می توان هسته ی مرکزی و قدیمی آن را به عنوان اصلی ترین و مهم ترین فضای عمومی شهر به حساب آورد. ساکنان، همه روزه، با اعلام حضور خویش، چه با مقاصد تک منظوره و از پیش تعیین شده نظیر خرید کردن و چه بدون قصد و نیت خاصی و تنها برای پرسه زدن و حضور داشتن، سرزندگی و حیاتی خاص و منحصر به فرد را به این هسته ارزانی می دارند، حال آن که گاه و بی گاه (و نه همیشه) و بسته به شرایط زمانی و مکانی در سایر فضاهای عمومی این شهر هم چون پارک خانواده، پارک ۱۵ خرداد و امامزاده حسین رضا حضور می یابند؛ همین امر سبب شده تا این محدوده ی مرکزی به گنجینه ای غنی از مضامین زندگی روزمره و مکان انباشت تجارب ذهنی، عینی و اجتماعی بدل گردد. مسجد جامع، برج علاءالدوله، میدان قدیمی شهر و درختان چنار کهنسال، هر یک، با استمرار و تداوم حضور خویش از دیرباز تا کنون، چهره و هویتی خاص را در این مجموعه رقم زده اند؛ هسته ی مرکزی شهر به مثابه ی مکانی مرجع در ذهن و خاطره ی هر ورامینی حک گردیده است. خیابان های منتهی به میدان نیز که روزگاری هسته ی اولیه ی پیدایش شهر بوده اند، امروز و با گذشت سالیانی دراز و از همین ره انباشت سال ها سرمایه گذاری اجتماعی و فرهنگی مُهر و نشان خود را به این مکان زده و فضایی آشنا را برای بازیگران و تماشاگران نمایش شهری فراهم آورده اند. به نظر می رسد بتوان فضای مذکور را عرصه ی تبلور گونه ای همزیستی مسالمت آمیز میان مردم ورامین دانست؛ فضایی که، فارغ از کیفیت و وضعیت سوپه های کالبدی - زیباشناختی خویش، محملی است برای

پاسخ به نیازها و خواست های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردمان شهر؛ عرصه ای برای تکوین، بروز و رخ نمودن نمایش زندگی شهری در صور گوناگونی نظیر راه رفتن، گفتگو کردن، خرید کردن، تظاهرات کردن، دیدن و دیده شدن. دیگر فضاهای عمومی شهر، هریک، بنا بر ماهیت و ویژگی های خویش، و با شدت و ضعفی بیش و کم متفاوت، رگه هایی از جوه متعدد و متکثر مفهوم فضای عمومی را عرضه می دارند. میدان عمروآباد، به مثابه ی ترجمان فضایی کالبدی گرایش ها و عاداتی در خود و گاه تهاجمی، نمایان گر قلمرو معاشرت، هم پیوندی و همبستگی گروهی محدود است که از دید افراد خارج این اجتماع تعبیر به عرصه ی خصم می شود. میدان چوببری مهم ترین مکان برای استقرار، استراحت و شاید معاشرت و مردم آمیزی کارگران ساختمانی در سطح شهر است. فضاهای مذهبی ورامین مسجد جامع و امامزاده حسین رضاب به علت وجود رابطه های قوی قومی و عشیره ای در منطقه و همچنین وجود یک اندیشه ی مذهبی راسخ در زندگی ورامینی ها، به صورت مستمر و همیشگی، به عنوان مکان ملاقات و چهره به چهره شدن مردم مورد استفاده قرار می گیرند. امامزاده حسین رضا، در یک عملکرد مضاعف، میعادگاهی عمومی برای جوانان، چه دختر و چه پسر، نیز به حساب می آید. فضاهای سبز شهر نیز محمل و جولانگاهی اند برای حضور، دیدار و تعامل ورامینی ها، که به دلیل رفع خستگی، گذران اوقات فراغت و یا تفریح و تجدید بنیه و قوا، گاه و بی گاه و بسته به شرایط زمانی و مکانی، در این فضاها حاضر می شوند. علاوه بر موارد مذکور، مکان ها و فضاهایی نیز در ورامین وجود دارند که می توان آن ها را فضاهای عمومی بالقوه یا غیررسمی نام نهاد. مکان ها و فضاهایی رها شده و

عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه ای جنوب تهران، مطالعه موردی: ورامین، قرچک، اسلامشهر. طرح پژوهشی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، منتشر نشده.

۱۰. دیولافوا، مادام ژان. (۱۳۸۵). ایران کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره وشی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۱. کلاویخو، روی گونسالس. (۱۳۸۴). سفرنامه کلاویخو. (مسعود رجب نیا، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۳. دهخدا. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. دوره ۱۵ جلدی. تهران: با همکاری انتشارات روزبه، دانشگاه تهران.

۱۴. مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی و خصوصی شهر، (بابک محقق، مترجم). فصلنامه اندیشه ایران شهر، (۳)، ۲۶-۳۶.

۱۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سالنامه آماری، تهران: مرکز آمار ایران.

۱۶. مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۸۸). نزهت القلوب، به تصحیح و تحشیه دکتر محمد دبیر سیاقی. قزوین: نشر حدیث امروز.

17. Cybriwsky, R. (1999). Changing patterns of urban public space - Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas. the journal of Cities, 16(4), 223-231.

18. Goodsell, Ch.T. (2003). The Concept of Public Space and It's Democratic Manifestations. the journal of The American Review of Public Administration, (33), 361-383.

19. Mumford, L. (1961). The City In History. New York: Harcourt Brace Jovanovich.

20. Pasaogullari, N., & Doratli, N. (2004). Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta. the journal of Cities, 21(3), 225-232.

متروک، که گرچه فاقد هرگونه کالبد و حدود و ثغور فضایی مشخص هستند، به علت دارا بودن برخی مزیت‌های مکانی، در روزهای معدودی از سال به عنوان عرصه‌ی تجمع و معاشرت مردمی در پرتو عملکردها و فعالیت‌هایی غیررسمی همچون بازارهای مقطعی، معرکه‌گیری خودنمایی می‌کنند.

فهرست مراجع

۱. آذری دمیرچی، علاءالدین. (۱۳۴۸). جغرافیای تاریخی ورامین. تهران: بینام.

۲. ابن حوقل. (۱۳۴۵). صوره الارض. (دکتر جعفر شعار، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۳. اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم. (۱۳۶۸). ممالک و مسالک، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۴. امینی، محمد؛ و رضوان، همایون. (۱۳۸۰). تاریخ اجتماعی ورامین از ابتدا تا عصر پهلوی.

۵. تاجیک، علیرضا؛ و عطری، سیده زهرا. (۱۳۸۶). آثار تاریخی ورامین باستان. قم: مهرالمومنین.

۶. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۸). فضای شهری، حیات واقع‌ای و خاطره‌های جمعی. مجله صفا، (۲۸)، ۱۴-۲۴.

۷. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. مجله هنرهای زیبا، (۷)، ۲۱-۳۳.

۸. حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۸۰). فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای. مجله صفا، (۳۳)، ۵-۱۳.

۹. حبیبی، سید محسن؛ لقمانی، زیبا؛ عرفانی، جواد؛ پورمحمدرضای، نوید؛ و حمیده، سارا. (زیر چاپ). مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه